

# آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

رساله حاضر، حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی است که در بهمن ماه ۱۳۹۴ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه یاسوج به راهنمایی جناب آقای دکتر حمدالله اکوانی و مشاوره‌ی جناب آقای دکتر علی باقری دولت آبادی از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه یاسوج است.



دانشکده علوم انسانی  
گروه علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی

تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا  
جمهوری اسلامی

استاد راهنما:  
دکتر حمدالله اکوانی

استاد مشاور:  
دکتر علی باقری دولت آبادی

پژوهشگر  
رحمان بیاد

بهمن ۱۳۹۴



## تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی

توسط:

رحمان بیاد

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی لازم  
برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

علوم سیاسی

در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی  
رسید.

۱- استاد راهنما: دکتر حمدالله اکوانی با مرتبه علمی (استادیار) امضا

۲- استاد مشاور: دکتر علی باقری دولت آبادی با مرتبه علمی (استادیار) امضا

۳- استاد داور داخل گروه: دکتر علی رضا سمیعی اصفهانی با مرتبه علمی (استادیار) امضا

۴- استاد داور داخل گروه: دکتر ابوذر رفیعی قهساره با مرتبه علمی (استادیار) امضا

۵- نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر محمد رضا فیروزی با مرتبه علمی (استادیار) امضا

بهمن ۱۳۹۴

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

تقدیم با بوسه بر دستان پدرم

به او که نمی‌دانم از بزرگی‌اش بگویم یا مردانگی، سخاوت، سکوت، مهربانی و ...

همچنین

شایسته تقدیرند، خوبانی که چگونه اندیشیدن را می‌آموزند، نه اندیشه‌ها را ...

چنین انسان‌هایی در ذهن ماندگارند؛

تقدیم می‌کنم این تحفه درویش را به خانواده و مادر مهربانم که شایسته تقدیرند.

## سپاس‌گزاری

سپاس بیکران، پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشیده و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

این نوشته اگر ارزشی در مجموعه تلاش‌های تحقیقاتی داشته باشد، مدیون راهنمایی، همکاری و همدلی کسانی است که بدون آن‌ها، چارچوب این پژوهش هرگز شکل نمی‌گرفت. از این‌رو، نگارنده وظیفه خود می‌داند که مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را نسبت به آن‌ها ابراز نماید.

از استاد توانا و گرانقدرم جناب آقای دکتر حمدالله اکوانی تشکر می‌کنم که با حوصله بسیار و مشفقانه بر من منت نهادند و در تمام مراحل این پژوهش مرا راهنمایی کردند و از ارائه کوچکترین نقطه نظری که می‌توانست رهگشای نگارش پژوهش حاضر باشد، دریغ نکردند. از آقای دکتر علی باقری دولت آبادی در مقام استاد مشاور پژوهش، سپاسگزاری می‌کنم.

همچنین از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی مختاری، دکتر ابوذر رفیعی، دکتر رضا التیامی‌نیا و دیگر اساتید گروه علوم سیاسی که شاگردی در حضور آنان غنیمتی گرانبمایه برای بنده بوده است، تقدیر می‌کنم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از جناب آقای مصطفی ارژنگ که در خصوص فن نگارش این پژوهش از راهنمایی ایشان بهره‌گرفتم مراتب قدردانی و تشکر را به عمل آورم. به گونه‌ای متفاوت مدیون فداکاری مادر و دیگر اعضای خانواده‌ام هستم که صمیمانه از آن‌ها سپاسگزاری می‌کنم.

رحمان بیاد

نام خانوادگی: بیاد	نام: رحمان
رشته و گرایش: علوم سیاسی	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
تاریخ دفاع: ۱۳۹۴/۱۱/۱۷	استاد راهنما: دکتر حمدالله اکوانی

## تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی

### چکیده

یکی از مسائل مورد بررسی در حوزه اندیشه سیاسی، توجه به مشارکت سیاسی و نقش آن در پویایی فقه سیاسی اسلام و بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی است. سؤال اصلی که پژوهش حاضر قصد دارد به آن بپردازد این است که، چه رابطه‌ای بین مشارکت سیاسی و پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی وجود دارد؟ فرضیه مورد آزمون چنین است که علت پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت به بعد، محدود شدن نسبی استبداد و خودکامگی حکومت به وسیله مشارکت سیاسی مردم و ضرورت بازتاب این شرایط در فقه سیاسی شیعه بوده است. این رخداد هم در زمان مشروطیت و هم در نظام جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده و هر چه مشارکت سیاسی بیشتر شده، فقه سیاسی شیعه روند تکاملی و پویایی خودش را بهتر طی کرده است. روش پژوهش حاضر در این رساله کتابخانه‌ای و چارچوب نظری آن بر اساس نظریه بحران اسپریگنز می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نتیجه بحران‌های اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی در دو رویداد مهم مشروطیت و انقلاب اسلامی و افزایش مشارکت سیاسی گروه‌های مختلف در فرایندهای سیاسی و اجتماعی، فقه سیاسی شیعه به دلیل ضرورت پاسخ به اقتضائات این رویدادها پویا تر شده و منظومه معنایی آن گسترش یافته است. منازعه خردگفتمان‌های فقه سیاسی شیعه و تفقه در مورد مفاهیمی مثل قانون، آزادی، حق رأی، انتخابات، نظام سیاسی، مشروعیت و ... بخشی از مصادیق تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** فقه سیاسی شیعه، مشارکت سیاسی، مشروطیت، انقلاب اسلامی

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
<b>فصل اول: کلیات طرح تحقیق</b>	۱
۱-۱- بیان مسأله	۱
۱-۲- پرسش اصلی	۳
۱-۳- فرضیه	۳
۱-۴- ادبیات پژوهش	۳
۱-۵- اهداف تحقیق	۵
۱-۶- روش تحقیق	۵
۱-۷- سازماندهی تحقیق	۵
<b>فصل دوم: تعریف مفاهیم و چارچوب نظری</b>	۶
مقدمه	۶
۲-۱- تعریف مفاهیم	۶
۲-۱-۱- مشارکت سیاسی	۶
۲-۱-۲- فقه	۷
۲-۱-۳- فقه سیاسی	۷
۲-۱-۴- امامت	۸
۲-۱-۵- اجتهاد	۹
۲-۲- چارچوب نظری	۹
۲-۲-۱- نظریه بحران	۱۰
۲-۲-۱-۱- مشاهده بی نظمی و سؤال از آن‌ها	۱۳
۲-۲-۱-۲- تشخیص علل بی نظمی و توصیف تعلیلی پدیده اجتماعی	۱۴
۲-۲-۱-۳- بازسازی تخیلی نظام فاقد از بی نظمی در فضای ذهنی	۱۶
۲-۲-۱-۴- انواع بازسازی نظری	۱۷
۲-۲-۱-۵- راه درمان	۱۷
جمع‌بندی	۱۸
<b>فصل سوم: بحران نظم سیاسی و پویای فقه سیاسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی</b>	۲۰
مقدمه	۲۰
۳-۱- مشارکت سیاسی	۲۱
۳-۱-۱- مصادیق مشارکت سیاسی	۲۱



۲۳	۳-۱-۲- جایگاه مشارکت سیاسی در اسلام.....
۲۴	۳-۱-۳- مشارکت سیاسی در حکومت دینی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه.....
۲۴	۳-۲- تأثیر مشارکت عمومی مردم بر شکل‌گیری انقلاب مشروطه.....
۲۶	۳-۱-۲- ساختار فقهی و قانونی نظام مشروطه.....
۲۷	۳-۲-۲- امور شرعی و قضاوت در انقلاب مشروطه.....
۲۸	۳-۲-۳- تحولات ایجاد شده در قانون اساسی مشروطه.....
۲۹	۳-۲-۴- پیامدهای فقهی در گفتمان مشروطه.....
۳۴	۳-۳- زایش منازعه.....
۳۵	۳-۱-۳- افول مشروطه.....
۴۰	۳-۲-۳- بررسی مشروطیت از دیدگاه علمای مشروطه.....
۴۳	۳-۳- سکولاریسم و ملی‌گرایی بودن حکومت پهلوی.....
۴۴	۳-۴- زمینه‌های تشکیل حکومت اسلامی.....
۴۴	۳-۴-۱- حکومت پهلوی اول.....
۴۵	۳-۴-۲- عدم تناسب حکومت پهلوی اول با جامعه.....
۴۶	۳-۴-۳- دولت پهلوی دوم.....
۴۷	۳-۴-۴- تأثیر فقه سیاسی شیعه بر مشروعیت نظام جمهوری اسلامی.....
۴۸	۳-۴-۱- انتخاب نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر فقه سیاسی شیعه.....
۴۹	۳-۴-۵- تأثیر فقه سیاسی بر قوانین و ساختار نظام.....
۵۱	جمع‌بندی.....
۵۲	<b>فصل چهارم: مشارکت سیاسی، جمع‌بندی پویایی فقه شیعه و درمان نظام سیاسی.....</b>
۵۲	مقدمه.....
۵۳	۴-۱- پویایی فقه سیاسی شیعه.....
۵۶	۴-۱-۱- فقه شیعه به عنوان راه درمان نارضایتی عمومی در شکل‌گیری جنبش مشروطه.....
۵۶	۴-۲- فقه شیعه از استبداد رضاخانی تا جمهوری اسلامی.....
۵۷	۴-۲-۱- بازسازی فقه شیعه در حوزه‌ها و اماکن مقدس.....
۵۹	۴-۲-۲- نقش مشارکت سیاسی مردم از حکومت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی.....
۶۰	۴-۲-۳- همگرایی رهبری، ایدئولوژی و مشارکت سیاسی مردم در روند پویایی فقه سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی.....
۶۳	جمع‌بندی.....
۶۵	<b>نتیجه‌گیری نهایی.....</b>
۶۸	فهرست منابع.....
۷۳	چکیده انگلیسی.....

## فصل اول

### کلیات طرح تحقیق

#### ۱-۱- بیان مسأله

فقه سیاسی بخشی از دانش عمومی فقه در جهان اسلام است که به رغم اهمیت و تلاش‌های گسترده معاصر کمتر توسعه یافته است. در فقه سیاسی شیعه، به اعتقاد شیعه، مرجع تصمیم‌گیری در دوره حضور امام معصوم (ع) خود او است، زیرا که عصمت معصوم (ع) مهم‌ترین تضمین مصالح عموم و خیر همگان است. فقه سیاسی به لحاظ شرط عصمت در دولت آرمانی شیعه، از آن رو که عصمت قابل ارجاع به آرای عموم نیست، اصل اختیار و انتخاب را در امامت معصوم (ع) انکار می‌کند (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۹۴). بدین سان فقه سیاسی شیعه بر تفکیک اساسی بین دوران حضور و عصر غیبت امام معصوم (ع) استوار است و تصمیم در شاکله‌ی نظام سیاسی در شرایط حضور معصوم (ع) را بر عهده‌ی خود او می‌گذارند، زیرا که بر مبنای تفکر شیعه خود معصوم (ع) مطمئن‌ترین مفسر شریعت است و اساساً، فلسفه‌ی وجودی عصمت معصوم (ع) نیز سیانت از انحراف دین در عصر بعد از پیامبر است. در دوره‌ی غیبت، هر چند دوره نقصان و حرمان از دیدگاه شیعه دوازده امامی است، فقه شیعه، غیبت معصوم (ع) را توجیهی برای تعطیل احکام شریعت، تلقی نمی‌کند بلکه فقط آن دسته از احکام معلق می‌شوند که تحقق آن‌ها (مثل جهاد ابتدایی) مشروط به حضور شخص معصوم (ع) است. بنابراین، بخش بزرگی از احکام سیاسی که وظیفه‌ی فقه سیاسی ارزیابی چگونگی تحقق مشروع آن‌ها در دوره‌ی غیبت است، همچنان وجود دارد (فیرحی، ۱۳۹۰: ۲۵۲). فقه سیاسی شیعه به دلایل گوناگونی از جمله تقیّه، حکام ظالم وقت، کناره‌گیری علما از به دست گرفتن حکومت، نبود مشارکت سیاسی و عدم رعایت اصل وجوبی شورا، از دوران غیبت امام معصوم (ع) تا مشروطیت (که تنها در دوره‌ی کوتاهی علما توانستند به کمک مشارکت سیاسی مردم حکومت مشروطه را در قالب قانون و مجلس پیاده کنند و محدودیت قابل قبولی را برای پادشاه و نظام سلطنتی اعمال کنند) نتوانستند در حکومت تأثیرگذار باشند، ولی این نظام (مشروطه) به دلیل اختلافات فراوانی از جمله اختلاف علما با همدیگر، اختلاف علما با روشنفکران و مشکلات سیاسی و اقتصادی با شکست مواجهه شده است. جنبش مشروطه-خواهی در ایران (۱۲۸۵ ش/۱۳۲۴ق) فصل مهمی برای فقه سیاسی شیعه از دیدگاه دگرگونی و تأسیس نهادهای جدیدی مثل مجلس و قانون اساسی و مشارکت مردم در انتخابات بوده است، و حاکی

از جستجوی هوای تازه در سیاست و دولت در جوامع شیعه است. بسیاری از اندیشمندان حوزه‌ی دین، چنین تغییری را ضروری می‌دیدند و اختلاف آن‌ها تنها در ساز و کار این تغییر و تحول و نگرانی از پیامدهای احتمالی نظم جدید بود. آیت‌الله آخوند خراسانی (۱۲۵۵ش/۱۳۲۹ق) که خود از پیشتازان این تحول بود، تحلیل روشنی از دگرگونی زمانه دارد و همین دگرگونی را همچنان که از آغاز دوران جدیدی برای عالم و آدم می‌بیند، دوران جدیدی نیز برای تجدید نظام و تفکر و رابطه دین و دولت در فقه سیاسی شیعه و همچنین میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس و تشکیل قانون اساسی در قالب نظام مشروطه ارزیابی می‌کند. آیت‌الله آخوند خراسانی البته بر چهره دگرگون شده دنیای جدید واقف است و این تحول را همزمان آغشته به نوعی فرصت و تهدید می‌داند. وی در جایی به وجه غربی و تهدیدآمیز دوران جدید اشاره می‌کند و می‌افزاید، این سیل عظیم که به نام تمدن بشری از غرب به سمت کشورهای اسلامی سرازیر است، اگر ماها رؤسای اسلامی جلوگیری نکنیم و تمدن اسلامی را کاملاً به موقع به اجرا نگذاریم، تمدن اسلامی تدریجاً از آثار این سیل عظیم محو و نابود خواهد شد (همان، ۲۴۵-۲۴۶).

هر چند مراجع و مجتهدانی چون آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی نقش بزرگی در حمایت مذهبی مشروطه‌خواهی ایرانیان داشتند اما تأسیس و پویایی فقه سیاسی شیعه در مشروطه به مثابه فصل جدید در تاریخ اجتهاد و فقه سیاسی شیعه مرهون تلاش‌های آیت‌الله نائینی (۱۲۳۹ش/۱۳۱۵ق) و رساله «تنبیه الامه و تنزیه المله» اوست. محقق نائینی مشروطه‌خواهی و بازاندیشی در دستگاه فقه سیاسی شیعه را بازگشتی مجدد به اصول فراموش شده‌ی اسلامی از پس قرن‌ها کج دینی می‌داند. به اعتقاد نائینی احیای آزادی خدادادی انسان در زندگی سیاسی، در کانون این نواندیشی فقهی و دینی قرار دارد. از همین زاویه است که مجتهدان نجف حکم به همراهی با نهضت مشروطه داده‌اند. محقق نائینی به واژه‌های آزادی، برابری، شورا و مشارکت سیاسی آحاد ملت در دولت ولایتیه خود اشاره کردند و با توجه به همین ملاحظه است که «تنبیه الامه» مشورت و مشارکت سیاسی را در راستای حق مشارکت عموم در امور عمومی قرار می‌دهد و به مشارکت مردم در انتخابات مجلس، قانون و آزادی بیان اشاره می‌کند. به نظر نائینی حقیقت سلطنت اسلامی عبارت از ولایت بر سیاست امور امت است و اساسش هم نظر به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت، بر مشورت با عقلای امت مبتنی است. ادبیات «تنبیه الامه» سیمای فقه‌ای خاص خود را دارد، به عقیده نائینی سیاست با مشورت ملازمه دارد و از نظر شریعت اسلام هر آنچه سیاسی است، لاجرم مشورتی است. نائینی سپس به نهادهای دولت مشروطه اشاره می‌کند و مشارکت سیاسی را در همه نهادها از جمله قانون اساسی و انتخابات مجلس و... را خواهان است (همان، ۲۹۵ - ۲۹۶).

هدف مشروطیت به رهبری عالمان اسلامی (اسلام و عدالت خواهی) بود و قطعاً آن‌ها تصویر روشنی از نظام مشروطه داشتند و حکومت قانون، محدود بودن قدرت سلطنت، تقسیم قوا، وجود مجلس شورای ملی - اسلامی و نظارت مبعوثان ملت بر مبنای (امرهم شوری بینهم) را به خوبی می‌دانستند و بر آن تأکید می‌ورزیده و تصریح می‌کردند. اما همانطور که در بالا اشاره شد مشروطه شکست خورد ولی سیر تکاملی فقه سیاسی شیعه طی شد و در نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی حالت نظام‌سازی به خود گرفت و در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت پویا و

متناسب با شرایط زمانه و تفسیرهای متفاوت فقهی در قالب نظریه نصب و انتخاب به راه صعودی و تکاملی خودش ادامه داد. در قالب نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره)، ولی فقیه به نیابت از امام زمان(عج) حکومت را به دست می‌گیرد، و ولی فقیه در عصر غیبت از همان اختیارات پیامبر و امام معصوم(ع) برخوردار می‌باشد. که در این باره تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت به آرای اکثریت مردم بستگی دارد، و بر اساس این دیدگاه هر چند که رأی مردم مشروعیت‌آور به حساب نمی‌آید ولی، ولی فقیه در صورتی می‌تواند حکومت تشکیل دهد که رأی اکثریت مردم موافق وی باشند. به همین خاطر در نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم مشارکت سیاسی مردم، در نهادهایی مثل مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و مجلس خبرگان رهبری و... اصل تعیین کننده است.

## ۱-۲- پرسش اصلی

چه رابطه‌ای بین مشارکت سیاسی و پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی وجود دارد؟

## ۱-۳- فرضیه

فرضیه مورد آزمون چنین است که علت پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت به بعد، محدود شدن نسبی استبداد و خودکامگی حکومت به وسیله مشارکت سیاسی مردم و ضرورت بازتاب این شرایط در فقه سیاسی شیعه بوده است. این رخداد هم در زمان مشروطیت و هم در نظام جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده و هر چه ضرورت مشارکت سیاسی بیشتر شده، فقه سیاسی شیعه روند تکاملی و پویایی خودش را بهتر طی کرده است.

## ۱-۴- ادبیات پژوهش

در پژوهش‌ها و مقالات انجام شده تاکنون به تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه توجهی نشده، یا به صورت جزئی بدان اشاره کرده‌اند، و مقالات و پژوهش‌های انجام شده بیشتر حول محور تحلیل و بررسی فقه سیاسی شیعه و نقش فقهای شیعه در مشروطیت بوده است، از مقالات و پژوهش‌های بررسی در این حوزه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

حیدری بهنویه در مقاله‌ای تحت عنوان «تحولات نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» (۱۳۸۰) به بررسی سبک اجتهاد و عوامل شکل‌گیری آن در تبیین تحول و تطور در فقه سیاسی شیعه پرداخته است، که این اجتهاد جدید ناشی از عوامل ذهنی و عینی هست، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بسط تحقیقات اصولی، گرایش فلسفی فقها، نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه فقیهان و

تنفر شدید فقها از به حداکثر رسیدن تعامل استبداد و استعمار. بر اساس این مقاله اجتهاد و نقش دینی علما در بین مردم مهم‌ترین عامل در پویایی فقه سیاسی شیعه و مبارزه علیه استبداد و استعمار است.

زنجانی در کتابی تحت عنوان «فقه سیاسی» (۱۳۶۶) حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. زنجانی معتقد است که قانون اساسی، خط ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی اوج کاربرد فقه سیاسی و قله‌ی جنبش‌های اصیل اسلامی و نقطه‌ی موفقیت همه‌ی اندیشه‌های سیاسی اسلام تا به امروز است و بر حقوق ملت، مبانی حقوقی و آزادی‌های اساسی در اسلام و قانون اساسی تأکید می‌کند.

درخسه در مقاله‌ای تحت عنوان «جستاری در تفکر سیاسی علمای شیعه از مشروطیت تا سال ۱۳۲۰» (۱۳۸۰) به بررسی عوامل شکل‌گیری مشروطیت، پویایی فقه سیاسی شیعه، اختلاف نظر در میان سران مشروطه، هرج و مرج و مشکلات سیاسی و اقتصادی، که در نهایت به فروپاشی مشروطه و روی کار آمدن رضاخان شد، اشاره کرده است. بر اساس این مقاله عدم اتحاد و همدلی در بین سران مشروطه و مشکلات سیاسی و اقتصادی آن روز باعث شد که زمینه برای به قدرت رسیدن رضاخان و ناکامی مشروطه فراهم شود.

شالیکار در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مبانی مشروعیت حکومت در فقه سیاسی شیعه با تأکید بر نظریه ولایت فقیه» (۱۳۹۱) بیشتر در حیطه‌ی جمهوری اسلامی ایران و نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره) کار کردند، در قالب نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره)، ولی فقیه به نیابت از امام زمان(عج) حکومت را به دست می‌گیرد، و ولی فقیه در عصر غیبت همان اختیاراتی که پیامبر و امام معصوم(ع) از آن برخوردار بود، برخوردار می‌باشد. که در این باره تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت به آرای اکثریت مردم بستگی دارد، و بر اساس این دیدگاه هر چند که رأی مردم مشروعیت آور به حساب نمی‌آید ولی، ولی فقیه در صورتی می‌تواند حکومت تشکیل دهد که رأی اکثریت مردم موافق وی باشند. بنابراین همانطوری که ملاحظه شد مقالات و کتاب‌هایی که در این رابطه کار شده است، هیچ‌کدام بر تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار نداده‌اند، به این ترتیب که آقای حیدری بهنویه به نفوذ اجتماعی و جهادی علما در عرصه عین و ذهن و مبارزه با استبداد و استعمار اشاره می‌کنند و به نقش مردم در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و تأثیر این نقش بر پویایی و تحول فقه شیعه کمتر توجه کردند. در کتاب زنجانی تحت عنوان «فقه سیاسی» بیشتر به قانون اساسی و نظریه ولایت فقیه تمرکز شده است و آن سیر تاریخی مشارکت گسترده مردم از مشروطیت تا انقلاب اسلامی متأثر از گفتمان علما و سردمداران مشروطیت تا انقلاب اسلامی توجهی نشده است. جلال درخسه هم بیشتر ناکارآمدی‌های مشروطه و علل شکست مشروطه و نقش سیاسی علما را مد نظر قرار می‌دهند. در پایان ابراهیم شالیکار با تأکید بر نظریه ولایت فقیه بدون اشاره به نقش مردم در زمینه علل شکل‌گیری مشروطیت تا انقلاب اسلامی در حوزه جمهوری اسلامی و بر روی نظریه ولایت فقیه امام تأکید می‌کنند. به همین خاطر این پایان‌نامه به شیوه‌ی جدیدی تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به این صورت که ابتدا به عوامل شکل‌گیری مشروطیت، نفوذ

اجتماعی علما در بین مردم و مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های مختلف مشروطیت می‌پردازد و در ادامه به بسته شدن فضای سیاسی در دوره رضاخان و نیمه دوم حکومت محمدرضا شاه اشاره می‌کند. و در ادامه به زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی با تأکید بر نظریه ولایت فقیه به چگونگی نقش سیاسی مردم در روند انقلاب و پویایی فقه سیاسی شیعه و حالت نظام‌سازی فقه سیاسی شیعه می‌پردازد.

### ۱-۵- اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از انقلاب مشروطیت تا جمهوری اسلامی است. این‌که چگونه فقه سیاسی شیعه از مشروطیت به بعد با تشکیل قانون اساسی و مشارکت سیاسی مردم در قالب انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و... سیر تکاملی خودش را ادامه داده و توانسته است در قالب نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره) و نظام جمهوری اسلامی ایران حالت نظام‌سازی به خود بگیرد.

### ۱-۶- روش تحقیق

روش اجرای پژوهش در این پایان‌نامه کتابخانه‌ای، و با استناد به منابع کتب معتبر، پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق، نشریات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد. بر این اساس یکی از چهارچوب‌های نظری مهم برای بررسی اندیشه‌های مختلف، نظریه بحران اسپریگنز می‌باشد که در قالب مدل چهار مرحله‌ای خویش، سیر تکامل یک اندیشه را می‌توان مورد بررسی قرار داد، مشکلات زمان‌هاش را درک کرد، ریشه‌های این مشکلات را بررسی، و در نهایت راه‌حلی برای آن‌ها ارائه داد (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۳۸-۳۹).

### ۱-۷- سازماندهی تحقیق

نگارنده به منظور آزمون فرضیه رساله که در این فصل مطرح شد، ابتدا به تعریف مفاهیم مرتبط با موضوع همچون مشارکت سیاسی، فقه، فقه سیاسی و اجتهاد پرداخته و سپس به طراحی و تنظیم چارچوب روشی نظریه بحران در فصل دوم اهتمام ورزیده است، در فصل سوم به بررسی بحران نظم سیاسی و پویای فقه سیاسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی و در فصل چهارم به مشارکت سیاسی، پویایی فقه شیعه و درمان نظام سیاسی، بر اساس اسناد و منابع معتبر دوران انقلاب مشروطه تا حکومت جمهوری اسلامی اشاره است. و در نهایت در فصل پنجم با ارائه نتایج حاصل از این بررسی تاریخی و فقهی، به پرسن پژوهش پاسخ داده است.

## فصل دوم

### تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

#### مقدمه

در این فصل، ابتدا مفاهیم مرتبط با موضوع از جمله؛ مشارکت سیاسی، فقه، فقه سیاسی و اجتهاد مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت بعد (چارچوب نظری) به نظریه بحران اسپریگنز اشاره می‌شود، در قالب این نظریه، به مراحل زیر، شامل؛ مشاهده بی‌نظمی و سؤال از آن‌ها، تشخیص علل بی‌نظمی و توصیف تحلیلی پدیده اجتماعی، بازسازی تخیلی نظام فاقد از بی‌نظمی در فضای ذهنی و راه درمان پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱- تعریف مفاهیم

از آن جایی که در این پژوهش مفاهیمی همچون مشارکت سیاسی، فقه، فقه سیاسی و اجتهاد کلیدی می‌نماید، سعی خواهد شد که ابتدا تعریفی از آن‌ها داده شود.

#### ۲-۱-۱- مشارکت سیاسی

مشارکت به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۲). مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که در بردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد. علاوه بر این مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی‌شوند و جنبش‌هایی که زندگی خصوصی را متأثر می‌سازد ولی به طور مستقیم با اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را در بر می‌گیرد (جباری، ۱۳۷۸: ۶۳-۷).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. گرفت و بیراسفورد تحولاتی چون ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و پست‌مدرن را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (نیازی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۳۷).

مشارکت سیاسی؛ درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از: «فعالیت شهروندان خصوصی به‌منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت.» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۷۷).

آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره نموده و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به‌طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیرگذار است گرفته می‌شود. از طرفی حیث اولوف پیترسون مشارکت سیاسی را به‌عنوان «تلاش‌هایی که با هدف تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌نماید (تاج‌مزینانی، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۵۳).

## ۲-۱-۲- فقه

فقه در همگانی‌ترین و پذیرفته‌ترین تعریف خود، علم به احکام از گذر شناخت ادله تفصیلی آن‌ها دانسته شده است. منظور از فقه که مربوط به احکام عملی انسان در رابطه با خدا و خویشتن و دیگران است و بخشی از شریعت محسوب می‌شود، عبارت است از «مجموعه احکام شرعی و وظایفی که از جانب قانون‌گذار اسلام مقرر شده است» (عزتی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۷). پس فقه عبارت است از «فهم دقیق و استنباط مقررات عملی اسلام از منابع و مدارک تفصیلی مربوط به آن و گاه به معنی مجموعه مسائل شرعی عملی استنباط شده و آراء مستقل فقها نیز اطلاق می‌شود» (همان). اگر این علم، به احکام موضوعات معاملاتی تعلق یابد، فقه معاملاتی شکل می‌گیرد و اگر به احکام موضوعات عبادی تعلق گیرد، فقه عبادی به دست می‌آید و اگر به احکام موضوعات سیاسی متعلق شود، فقه سیاسی پدیدار می‌شود (مبلغی، ۱۳۸۴: ۳-۲۱).

## ۲-۱-۲- فقه سیاسی

فقه سیاسی شامل آن دسته از مباحث حقوقی در اسلام می‌شود که تحت عناوینی چون حقوق اساسی، مفاهیم سیاسی و حقوق بین‌الملل و نظایر آن مطرح می‌گردد. فقه سیاسی در تعریف خاص، مجموعه استنباطات فقهی در خصوص آیات و روایاتی است که به مسائل فوق مربوط می‌شوند. فقه سیاسی به شکل عام عبارت است از کلیه پاسخ‌ها و مسائلی که دین اسلام نسبت به مسائل حقوق اساسی و مفاهیم سیاسی و حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهد. بر این اساس چه بسا مسئله‌ای سیاسی بالااصله و به شکل مستقیم در متون دینی بحث نشده باشد، ولی مجتهد با استفاده از ابزارهای



استنباط بتواند جوابی فقهی برای آن تدارک بیند (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶: ۴۱). در تعریفی دیگر فقه سیاسی بخشی از دانش عمومی فقه در جهان اسلام است که به رغم اهمیت و تلاش‌های گسترده معاصر کمتر توسعه یافته است. فقه در لغت به معنی فهم و آگاهی است (کرکی، ۱۴۰۷ق: ۱۱). و در اصطلاح امروزی عبارت است از علم به حکم شرعی (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۴۹۴).

## ۲-۱-۴- امامت

در صورتی که امامت از دیدگاه شیعه وسیع‌تر از زعامت و رهبری جامعه است. از دیدگاه شیعه حکومت شاخه‌ای کوچک از امامت و خلافت می‌باشد، چرا که، امام یعنی جانشین پیامبر، و جانشین آن حضرت باید از تمامی شئون، جز نزول وحی، برخوردار باشد اما اگر خلافت به معنای حکومت باشد چنان‌که اهل سنت گفته‌اند، بین امامت و خلافت تفاوت اساسی به وجود خواهد آمد.

مهم‌ترین شاخصه‌ی امام در درجه‌ی نخست این است که امام به عنوان جانشین پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) بایستی از تمامی تعلیمات قرآن و سنت نبوی برخوردار باشد تا در راستای برطرف نمودن مشکلات جامعه و راهنمایی امت اسلامی در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... گام بردارد، و شیوه‌ی تکامل و صراط مستقیم را نشان دهد. از این رو جانشینان پیامبر(ص) انسان‌های کاملی هستند که زمین و زمان از آنان خالی نخواهد بود.

با توجه به این دیدگاه می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. بر اساس نگرش شیعه، قوام امامت بر مبنای تصاحب قدرت توسط امام نیست و بنابراین، عدم دستیابی امام به حکومت سیاسی مانع ادامه امامت او نمی‌شود. بنابراین در چنین شرایطی امام به وظیفه امامت خود ادامه می‌دهد ولو این که حکومت، به ناحق در اختیار غیر امام باشد؛ چرا که امامت به مقتضای تشکیل جامعه‌ی سیاسی و انسان سیاسی پدید نیامده است، بلکه به مقتضای دین اسلام و امت اسلامی به وجود آمده است و لذا با از دست دادن سلطه سیاسی، مشروعیت خود را از دست نمی‌دهد و حتی با وجود عدم دستیابی به سلطه سیاسی، امام هم‌چنان امام است و گستره امامت او هم، امت است. اما بنا بر نگرش اهل سنت قوام خلافت بر تصاحب قدرت نهاده شده است و ماهیت و مشروعیت خلافت از اعمال سلطه سیاسی ناشی می‌شود. بنابراین خلیفه به کسی اطلاق می‌شود که به قدرت دست یابد و عهده‌دار خلافت گردد.

۲. امامت معصوم، شأنی از شؤن امت اسلامی است نه شأنی از دولت و جامعه سیاسی؛ یعنی وابستگی امام به امت به این لحاظ است که امت، اسلامی است و آیین اسلام را برنامه خود قرار داده است؛ نه به لحاظ این که، جامعه‌ای سیاسی است که دولتی تشکیل داده است. لذا امامت در همه حالات حتی در حالت هرج و مرج هم وجود دارد و وجودش ضروری است و حتی اگر یک نفر در روی کره زمین وجود داشته باشد، منصب امامت نیز باقی خواهد بود. در حالی که خلافت از نگاه اهل سنت منصبی دنیایی و اجرایی است که پیوندش با امت اسلامی از این حیث است که جامعه نیاز به حاکم دارد. به عبارت دیگر، خلافت نهادی متعلق به مسلمانان، اما به عنوان یک اجتماع سیاسی است که در آن نهاد مسلمان به عنوان یک هویت دینی لحاظ نشده است، بلکه یک هویت سیاسی است که در نظام زندگی، نیازمند به اجتماع سیاسی و دولت است

۳. در امامت، ویژگی‌های اعلیّت، عصمت و منصوص بودن، ضروری است؛ بر خلاف خلافت از نگاه مذاهب اهل سنت، که در آن این شرط‌های سه‌گانه معتبر نیست و در نتیجه فاسق بودن خلیفه، تصاحب قدرت توسط وی از راه قهر و غلبه و... ضرری به خلافت و مشروعیت وی نمی‌رساند، حتی اگر افضل و عدل موجود باشد (فیرحی، ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۲).

به طور کلی امامت در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است و هر کسی که متصدی رهبری گروهی شود «امام» نامیده می‌شود خواه در راه حق یا در راه باطل باشد. اما در اصطلاح علم کلام امامت عبارت است از: «ریاست همگانی و فراگیر بر جامعه اسلامی در همه امور دینی و دنیوی». و ذکر کلمه «دنیوی» برای تأکید بر وسعت قلمرو امامت است و گرنه تدبیر امور دنیوی جامعه اسلامی جزئی از دین اسلام است. از دیدگاه شیعه، چنین ریاستی هنگامی مشروع خواهد بود که از طرف خدای متعال باشد و کسی که اصالتی (و نه به عنوان نیابت) دارای چنین مقامی باشد معصوم از خطا در بیان احکام و معارف اسلامی و نیز مصون از گناهان خواهد بود در واقع امام معصوم همه منصب‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بجز نبوت و رسالت را دارد و هم سخنان او را تبیین حقایق و قوانین و معارف اسلام حجت است و هم فرمانهای وی در امور مختلف حکومتی واجب الاطاعه می‌باشد (همان، ۱۹۳-۱۹۷).

## ۲-۱-۵- اجتهاد

اجتهاد در معنای لغوی اگر از صیغه جَهْد باشد، به معنای مشقت و سختی است و اگر از صیغه جُهْد گرفته شده باشد، به معنای توان و نیرو است (آل‌غفور، ۱۳۸۴: ۹۹). در معنای اصطلاحی نیز عموم واژه‌شناسان آن را به تلاش و کوشش و به کار انداختن نیرو و توانایی خود برای رسیدن به هدفی خاص تعریف کرده‌اند که معمولاً با سختی و مشقت همراه است (میرموسوی، ۱۳۸۴: ۲۷۵).

برخی کتب اصولی، اجتهاد را چنین تعریف کرده‌اند: «استفراغ الفقیه الوسع فی تحصیل الظن بحکم شرعی» یعنی اجتهاد عبارت است از این که فقیه نهایت در حدی کوشش خود را برای به دست آوردن ظن به حکم شرعی به کار برد (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۲). عبدالوهاب فلاخی اندیشمند اصولی نیز، در تعریفی از اجتهاد می‌گوید: «اجتهاد یعنی بذل و کوشش برای شناخت حکم شرعی و مسائلی که دارای نص خاصی از کتاب و سنت نمی‌باشد، از راه رأی و اندیشه شخصی و نیز به کار گرفتن راه‌های دیگر استنباط و شناخت حکم شرعی» (آل‌غفور، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

در حقیقت، فرایند استنباط احکام شرعی اجتهاد نامیده می‌شود که به عنوان دستگاه تفسیر نصوص دینی و سازوکار مهم و استنباط احکام فردی و جمعی نقش و جایگاه مهمی در تکوین عقلانیت سیاسی شیعه داشته باشد.

## ۲-۲- چارچوب نظری

همانطور که در مقدمه ذکر شده است، چارچوب روشی این رساله بر اساس آراء توماس اسپریگنز که نام او با نظریه بحران پیوند خورده است، اقتباس و تنظیم می‌گردد. مهم‌ترین دلیل انتخاب نظریه

بحران اسپریگنز، به عنوان چارچوب نظری رساله، دیدگاه وی در خصوص مشاهده بی‌نظمی‌های موجود در جامعه و تشخیص ذهنی این بی‌نظمی‌ها و ارائه راهکار و درمان است. بر اساس این روش تأثیر مشارکت سیاسی بر پویایی فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تا قبل از انقلاب مشروطیت فقه سیاسی شیعه از هیچ‌گونه پویایی برخوردار نبود و نتوانسته در حکومت تأثیرگذار باشد یا حالت نظام‌سازی به خود بگیرد، از زمان مشروطیت به بعد فقها به این معضل پی بردند و بر آن شدند که فقه سیاسی شیعه را تکامل و رونق دهند و از این طریق محدودیت نسبی برای حکومت استبدادی به وجود بیاورند. ارائه‌ی راهکار و راه‌حل را در این دیدند که پویایی فقه سیاسی شیعه و در نهایت برچیده شدن نظام استبدادی و پادشاهی به وسیله‌ی مشارکت سیاسی مردم و وارد شدن مردم به نهادهای حکومتی مثل انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و... امکان‌پذیر است. این راه‌حل باعث شد که فقه سیاسی شیعه روند پویایی و تکاملی خودش را ادامه دهد و در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران حالت نظام‌سازی به خود بگیرد.

## ۲-۲-۱- نظریه بحران

نظریات در عرصه علوم سیاسی و علوم اجتماعی در بستر سوالات و شبهات شکل گرفته‌اند. نبود سؤال و چالش، امکان ذهنی ارائه نظرات و پردازش نظریات را فراهم نکرده و فاصله بین ذهن و عین، نظر و عمل را بیش از پیش افزون می‌کند. وقتی عرصه‌ای برای تحقق بیرونی نظریات ذهنی شکل می‌گیرد آن‌گاه در مواجهه با عمل و واقعیت نقاط ضعف و قوت نظریات خودنمایی می‌کند. در چنین فضای دیالکتیکی بین نظر و عمل است که زمینه برای تکمیل و تصحیح نظریات تکاملی فراهم می‌آید. «توماس اسپریگنز» در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی» خود بر این مطلب که نظریه‌پردازی سیاسی در شرایط بحرانی شکل می‌گیرد تأکید دارد و نظریات سیاسی را از این منظر مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

اگر تفکیک روش اندیشیدن سیاسی و روش فهم اندیشه سیاسی مفروض گرفته شود نظریه بحران توماس اسپریگنز را باید در دسته دوم قرار داد. روش وی، راه قرائت اندیشه سیاسی را آموزش می‌دهد. وی از جمله سنت‌گرایان علم سیاست محسوب می‌شود که قائل به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۸۵-۹۰). کوشش‌های وی در راستای فهم نظریه‌های سیاسی، که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد که به مدد آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را کشف نمود. اسپریگنز اندیشه سیاسی فلاسفه بزرگ غرب را با الگوی چهارگانه جستاری خود یعنی مشکل‌شناسی، علت (دلیل‌شناسی)، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی پردازش کرده است. او در گام اول، مدعی است که اندیشمندان سیاسی هردوران بشدت واقع‌گرا بوده و اندیشه‌های سیاسی آنان پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. بر این اساس نظریه‌های سیاسی صرفاً تفریح آکادمیک نبوده، بلکه عمیقاً به موضوعات عملی و روزمره‌ی سیاست مربوط است. تلاش آن‌ها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۷-۲۳). از دید وی، هدف نظریات سیاسی، فراهم ساختن بینشی همه‌جانبه از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به

منظور درک و فهم پذیر شدن آن و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگردان سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه‌های بی‌نظمی و غلبه بر آن‌هاست. به عبارت دیگر می‌توان هدف و غایت نظریات سیاسی از دید اسپریگنز را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست. از نظر این اندیشمند عبارت «نظریه‌های سیاسی» معانی گوناگون دارد. امروزه، علم سیاست به ساختمانی چند طبقه می‌ماند. هر یک از طبقات یا رشته‌های علم سیاست به نحوی با نظریه (تئوری) در ارتباط هستند. آن دسته از نظریه‌های سیاسی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از نظر عده‌ای، نظریه‌های سیاسی «هنجاری» و از نظر عده‌ای دیگر «فلسفه سیاسی» تلقی می‌شوند (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۵). نکته قابل توجه این است که اسپریگنز روشی را برای چگونگی مواجهه با اندیشه و فهم آن در اختیار ما قرار داده است. او به این موضوع نپرداخته است که چگونه می‌توان فهمید مشکل یک متفکر چه بوده است و یا علل بی‌نظمی، بازسازی خیالی که متفکر از سامان سیاسی در ذهن خود ترسیم می‌کند و یا راه‌حلی را ارائه می‌دهد، چگونه بفهمیم. عدم توجه به این مهم چه بسا آن‌چه را که به عنوان فرآیند شکل‌گیری اندیشه سیاسی متفکر تبیین می‌کنیم، مخدوش می‌کند.

این الگوی هر چند ساده، اما برای فهم یک اندیشه سیاسی بسیار کار آمد است. مهم‌ترین مفروضه الگوی مذکور این است که اندیشه سیاسی در خلاء شکل نمی‌گیرد و شکل‌گیری هر اندیشه متأثر از شرایطی اجتماعی است که اندیشمند در آن واقع شده و به بیان دیگر اندیشه سیاسی معطوف به پاسخگویی به بحران زمانه اندیشمند است و این بحران است که دغدغه اندیشه‌پردازی را پدید می‌آورد. اسپریگنز به اهمیت مطالعات نظریه‌پرداز سیاسی در «سرشت آدمی» و دیگر خصوصیات جهان پیرامونش نیز توجه می‌کند و آن‌ها را «به منزله مواد خام» مطالعات او در نظر می‌گیرد. در نتیجه بینش سیاسی را یک بینش «همه‌جانبه» معرفی می‌کند که «هم توصیفی است و هم هنجاری» است. در بیان وجه توصیفی آن می‌توان به مطالعه بازیگران مهم، عوامل و چارچوب‌های سازنده زندگی سیاسی و همچنین روابط میان این‌ها اشاره نمود. در بعد هنجاری نیز اسپریگنز با بیان اینکه «نظریه سیاسی با در نظر گرفتن زمینه کلی نیازها و امکانات بشر که قبل از همه ناشی از سیاست‌اند، زمینه قضاوت در مورد بخردانه بودن اعمال و ترتیبات سیاسی را فراهم می‌کند»، معتقد است که بدین وسیله «دیدگاهی فراهم می‌شود تا از طریق آن دریابیم که چه می‌کنیم و کیفیت کارمان چگونه است». در واقع، نظریه‌های سیاسی را می‌توان یکی از اساسی‌ترین تجلیات کوشش بشر برای رفتار بخردانه و منطقی بودن برشمرد (همان، ۱۰-۱۳).

اسپریگنز در ادامه کار خود و ذیل عنوان «روش‌های فهم نظریه‌های سیاسی» به بررسی سرشت نظریه‌های سیاسی می‌پردازد. وی، با عنایت به اینکه نظریه‌های سیاسی در طول تاریخ نظریه‌های تجویزی نیز نامیده شده‌اند، آن‌ها را «نوعی جستار .. برای یافتن معیارها و راه‌حل‌ها» معرفی می‌کند. در نتیجه با عنایت به اینکه هدف اساسی نظریه‌پردازان ارائه راه‌حلی برای مشکلات است، نقطه آغاز نظریه‌پرداز سیاسی را «بحران» در نظر می‌گیرد. البته او انکار نمی‌کند که ممکن است نظریه‌پردازی در شرایط غیر بحرانی نظریه خود را پرورده و ارائه نموده باشد، اما این نظریه‌پردازان را «استثنا» می‌داند (همان، ۳۷-۳۸).